

**دوپینگی** یعنی **قهرمان ضدپهلوان**: برنده همیشه بازنده؛ پیروزی در اوج شکست و موفقیت با سقوط و نشتست. **دوپینگی** ها **نای ایستادان روی پای خود ندارند**؛ همیشه باید به «چیزی» تکیه کنند، وگرنه، بی اتکای به غیر، می افتند. **آن ها مرد مبارزه جوانمردانه نیستند** و از قواعد بازی مردانه می ترسند. **دوپینگی ها از توهم قدرت در رنجند و پهلوان پنداری خود را گنج می انگارند**!

وضعیت امروز برخی افراد، گروه ها و جریان ها در سینمای ایران، درست شبیه به اوضاع دوپینگی هاست؛ وضعیت این روزهای سینمای کشورمان، غبارآلود و مبهم است و همه وقایع در حالی آمیخته با تعلیق و هراس رامش اوضاع، به ضرر دوپینگی های این میدان است و حتی حذف همیشگی آن ها را در بی خواهد داشت.

درست مثل دامن زندگان بحران خانه سینما که هر روز گره ای بر کلاف پیچیده آن اضافه می کنند. خانه ای که از پای بست ویران بوده و گویی در این خرابه گنجی پنهان است که یافتن آن، هیچ گاه به مالکان و ساکنانش مجال اصلاح پای بست ها را نداده است!خانه ای که کاتانه ای برای فرزندان سینما نبوده، همان طور که امروز هم این پدرخوانده های سینما هستند که بر طاق خانه بر هم تیغ می کشند. بحث و قصدی در دفاع از مدیریت دولتی سینما و بعضی افراد و کانون های همراه با آن ها نیست؛ نقد عملکرد بر غلط آن ها را مجال دیگر لازم است. اصلا یکی از ابزارهای دوپینگی های این عرصه، ضعف مدیریت بوده است وگرنه با تدابیر صحیح و بیجا، این غائله باید تا به حال می شد. اما مدیریت سینمایی دولت تمام رفتارهای منتقایی و پر فراز و نشیب خود، به پدرخوانده های سینما فرصت دوپینگ از طریق آن اما این میان باید از حاکمان خانه سینما و طیف همراه آن ها چند سؤال را پرسید: بر فرض که مدیران سازمان سینمایی و فیلم‌سازان و گروه های مخالف شما، همه یک سره بد و باطل هستند و شما حق مسلمید!چرا تا این حد نگران از دست دادن زیربایتان در خانه سینما هستید؟ اگر ادعا می کنید که مشکل قانونی ندارید، چرا برای گرفتن حق خود به قانون مراجعه نمی کنید؟ چرا به جای گفت

راه می اندازید و مزاحم زندگی همسایگان خانه سینما می شوید؟ بر فرض که تجمع شما قانونی است، آیا حق ایجاد آلودگی صوتی در یک محل مسکونی و توهین به دیگران را هم دارید؟ آیا با فرهنگ شهرنشینی آشنا نیستید؟ اگر حق با شماست، چرا در مناظره تلویزیونی یا پاسخ به طرف مقابل طفره می روید؟ چرا درباره هزینه و علت سفرهای خارجی خود با فرصت خانه سینما توضیح نمی دهید؟ چرا در دوران حاکمیت خود بر خانه سینما از امور صنفی کوتاهی می کردید و به جایش از این فرصت برای کار سیاسی بهره می بردید؟ چرا اغلب اعضای خانه سینما مشکل معیشتی دارند و شما؟؟ چرا در لیست حمایت از شما اسامی فوت شدگان و افراد ناشناخته دیده می‌شود؟ چرا اسانسانمه خانه سینما را تغییر

خانه سینما، اصغر فرهادی و چند موضوع دیگر

# دوپینگی ها\*

- آرش فهیم



تربیان های خارجی نیز آن چنان محافظه کار و ترسو عمل می کنند که همه ژست‌های آزادی خواهانه شان را با پای خود، زیر پا می گذارند. مصداق بارز این موضوع، یکی از کارگردان های محترم سینمای کشورمان است که طی سال های اخیر، جایگاهی جهانی پیدا کرده، او

تکنه جالب در علاقه شدید این روزهای سردمداران خانه سینما به محمود احمدی‌نژاد است! آن ها در همه سخنرانی ها و مصاحبه‌هایشان، راه و بی راه از حمایت رئیس جمهور از خودشان سخن می گویند. چون بدون تکیه به صاحبان قدرت توان ایستادگی ندارند! در همه جای جهان، به طور معمول هنرمندان سعی می کنند خود را مستقل و آزاد از سیاستمداران و قدرت های حاکم جلوه بدهند. حتی اگر در خفا و پشت پرده، به اهالی سیاست و قدرت متصل باشند. اما گویا در کشور ما برای برخی از اهالی هنر و خاصه سینما، مستقل بودن نوعی عار محسوب می شود! از یک طرف خانه سینما می‌این روزها دست در دست احمدی نژاد داده اند، از طرف دیگر بعضی که تا دیروز مجیزگوی مدیران دولتی سینما بودند، تبدیل به مخالفان سرخست شمقدری و دار و دسته اش شده اند؛ تا دیروز می گفتند این دوران بهترین مقطع مدیریت سینمایی در ایران است و امروز از این مدیریت به عنوان بدترین دوران یاد می کنند! از آن طرف هم عده‌ای از همین دوستان در موزه سینما مناسک تملق گویی برای یک سیاست باز دغل و فریب‌کار را برگزار می کنند! گویا کسب منافع و فرصت های دولت آینده، بدجوی آقایان را به هوس انداخته که همه ادعاهای هنرمندانه و روشنفکرانه خود را فراموش کرده و به جای سؤال از عملکرد منفی یک سیاستمدار در دوران ریاست جمهوری اش و همچنین رفتارهای ریاکارانه اش در غائله ۸۸، به ستایش و چرب زبانی وی پرداختند.

ای کاش این گونه رفتارها فقط در مقابل سیاست سازان و قدرت پرست های داخلی شایع بود. چون بعضی از هنرمندان ما، حتی در به خرج دادند تا فیلم او را خارج از نوبت اکران کنند، بلکه در شرایطی که بازار بحث درباره این فیلم داغ است، به فروش بیشتر آن کمک کنند. همه ما با مشکلات فیلم سازهای متعهد در اکران فیلم هایشان آشنا و آگاه هستیم. جای شگفتی است که چرا مسئولین فرهنگی و سینمایی ما برای اکران به موقع و افزایش استقبال از این فیلم ها هیچ تدبیری نمی اندیشند. اما تلاش خود را وقف یک فیلم فرانسوی می کنند؟! در مجال دیگری به این موضوع خواهیم پرداخت که مدیران سینمایی چگونه فریب خورده و قلمی در راستای سیاست های اتحادیه اروپا و دولت فرانسه را با یک فیلم منتقد غرب اشتباه گرفته‌اند. تکنه جالب این است که با وجود حمایت های دولتی و تبلیغات رسانه ای گسترده و پرزدهانه که ماه ها برای این فیلم استمرار داشته، اما استقبال مردمی چندان هم از آن صورت نگرفته و آمار فروش فیلم در مقایسه با

کارشناسان بین المللی مطرح کردند:

# شکست نژاد پرستی رسانه‌ای در غرب

قسمت هفتم برنامه "راز" با موضوع حصر رسانه‌های برون مرزی در ایران با حضور حمیدرضا عمادی مدیر‌اتاق خبر پرس تی وی، علی اجاره دار مدیر‌اتاق خبر هیسپان تی‌وی، رادنی شکسپیر عضو کمیته دفاع از بحرین در لندن ، کین اکیف فعال صلح طلب در آمریکا و رندی شرت روحانی مسیحی و فعال حقوق در آمریکا از شبکه چهار سیما بخش شد. درابتدای این برنامه حمیدرضا عمادی مدیر‌اتاق خبر پرس تی‌وی درباره نقش رسانه در دنیای امروز گفت: در دنیای امروز هم مخاطب و هم رسانه نقش متفاوتی پیدا کرده است. با قوی تر شدن رسانه‌ها فناوری گسترده‌تر و جدیدتر و نوع خیرسانی تغییر کرده است. مخاطب امروز هوشمندتر شده و نمی‌شود چیزی را به مخاطب تزریق کنیم و او به راحتی آن را بپذیرد. رسانه‌ای که به مخاطب دروغ می‌گوید بازنده است.

مدیر‌اتاق خبر پرس تی‌وی درباره اهمیت تأثیر‌گذاری رسانه و خبر خاطرنشان کرد: گاهی رسانه تصویری پخش کرده که شاید اثرش از گلوله‌های تکفیری‌ها بیشتر‌است. دنیای امروز به این نتیجه رسیده که نمی‌تواند مثل گذشته با رسانه برخورد کند. یکی از دلایل حمله به پرس تی‌وی این است که ما مخاطب را شناختیم و آنها(دولت های غربی) می‌ترسند. ما به شعور و سلیقه مخاطب احترام گذاشتیم و این باعث موفقیت ما شده است.

علی اجاره دار نیز در پاسخ به اینکه هیسپان تی‌وی چه خلأیی از مردم آمریکایی جنوبی را پر می‌کند عنوان کرد: تاریخ آمریکای جنوبی و آمریکا پر از درد و رنج مردمان بومی آن کشور است و این جریان از کشف قاره آمریکا آغاز و در دوران معاصر ادامه پیدا کرد و حکومت‌های دیکتاتوری روی کار آمدند. همه حکومت‌های دیکتاتوری از جمله شیلی، آرژانتین و ونزوئلا از طریق کودتای آمریکایی به قدرت رسیدند. مدیر‌اتاق خبر هیسپان تی وی ادامه داد: در پس زمینه تاریخی مردم آمریکای جنوبی این نفرت نسبت به آمریکا وجود دارد؛ چون جنایات بسیار بزرگی صورت گرفته و هنوز جایگاهش در اذهان این مردم باقی مانده است. از طرف دیگر آمریکای جنوبی به عنوان حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شد و مصرف کننده آمریکا بود.

اجاره دار در خصوص میداری مردم آمریکای جنوبی توضیح کرد: الفاظ و تفکری که مردم آمریکای

جنوبی از آن سود می‌برند، به نوعی نشان دهنده بیداری آمریکای جنوبی است. همین لفظ توانستن درانقلاب اسلامی به وسیله رهبر و مردم آمریکای جنوبی به کار گرفته شد.

وی همچنین درباره سانسور در آمریکای جنوبی اظهار کرد: در آمریکای جنوبی سانسور رسانه‌ای کامل وجود دارد.اره ارائه خبر دو شکل دارد:

یا دروغ بگویند و یا اصلا نگویند.

این فعال حوزه رسانه با اشاره به مالکیت رسانه ای آمریکا جنوبی گفت: اکثر شبکه‌های مختلف آمریکای لاتین به دست صهیونیسم است. آنها خبرهایی که باید بگویند را نمی‌گویند؛ یعنی ذهن مردم را به سمتی نمی‌برند که تفکری شکل گیرد. کار آنها انتشار اخبار روزمره و زرد است و این باعث می‌شود ذهن مردم از واقعیت‌های جامعه خالی بماند.

مدیر‌اتاق خبر هیسپان تی‌وی یادآور شد: هیسپان تی‌وی واقعیت متفاوتی را ارائه نمی‌کند و سعی می‌کند در تمام زمینه‌های طرف باشد. پوشش اخبار خاورمیانه و آمریکای لاتین به کمک خبرنگاران است که در سراسر دنیا دائمی صورت می‌گیرد.

### شبکه های ایرانی؛ صدای مظلومان جهان

در ادامه این برنامه، رادنی شکسپیر اقتصاددان،استاد دانشگاه و از اعضای کمیته دفاع از مردم بحرین از لندن به صورت مجازی با برنامه «راز» از ارتباط برقرار کرد و درباره اقدامات پرس تی‌وی و حساس شدن دولت‌های غربی نسبت به عملکرد این شبکه گفت: پرس تی‌وی صدای حقیقت است و دولت‌های غربی به شدت می‌ترسند. چون اطلاعاتی درباره نسل‌کشی خرنده در فلسطین، فرقه گرای و جنگ‌های فرقه‌ای که عربستان سعودی و ترکیه به آن ادامه می‌زنند، مسأله سوریه، سقوط اقتصادی، ضعف فیزیکی و فروپاشی موقعیت غرب منتشر می‌کند. وقتی این پیام‌ها وجود داشته باشد، معمولا پیام رسان این واقعیت‌ها را خفه می‌کنند.

وی درباره چگونگی تأثیر‌گذاری برنامه‌های پخش شده پرس تی‌وی در لندن تصریح کرد: در بریتانیا شبکه‌های مستعینی هستند که پایگاه اصلی آنها در کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده است. سانسور پرس تی‌وی تنها یک بهانه است. اما پرس تی‌وی و شبکه‌های العالم و هیسپان در حال انتشار واقعیت هستند و اطلاعاتی منتشر می‌کنند که دولت‌های تحت سلطه صهیونیست به آن علاقه‌ای ندارند. تمام رسانه‌های غربی از جمله بی‌بی‌سی در کنترل صهیونیست‌ها هستند.

صحنه ۷
دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۲
۱۳ رمضان ۱۴۳۴ – شماره ۲۰۵۴۸



**\* رادنی شکسپیر**: در بریتانیا شبکه‌های مستعجنی هستند که پایگاه اصلی آنها در کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده است. سانسور پرس تی‌وی تنها یک بهانه است. اما پرس تی‌وی و شبکه‌های العالم و هیسپان در حال انتشار واقعیت هستند و اطلاعاتی منتشر می‌کنند که دولت‌های تحت سلطه صهیونیست به آن علاقه‌ای ندارند. تمام رسانه‌های غربی از جمله بی‌بی‌سی در کنترل صهیونیست‌ها هستند.
\*\*\*

این استاد دانشگاه درباره شکاف خرنده بین حقیقت و دستکاری رسانه‌ای توضیح داد: حقیقت یک مسئله مسجل است. آن‌ها تلاش می‌کنند با اینترنت برخورد کنند چون نوعی جنگ تمدنی بین جبهه‌ای که دیدگاه غلابی ندارد و جبهه‌ای که براساس حقیقت است به وجود آمده است. جبهه نخست بیشتر به سمت جنگ و کنترل اینترنت می‌آید و این وضعیت بسیار جدی است. شکسپیر افزود: ایران وارد این حوزه شده و شاهدیم که جهان به سمت ایران و برنامه‌های پرس تی‌وی آمده‌اند. بسیاری از جهانپان از ایران حمایت می‌کنند چون ایران و رسانه‌های ایرانی واقعیت‌ها را منتشر می‌کنند و شما در بلندمدت می‌توانید به اهداف خود برسید.

### شکست انحصار رسانه ای

در ادامه، کین اکیف فعال صلح از مهمانان مجازی دیگری بود که بحث‌های "راز" شرکت کرد و درباره پرس تی‌وی و هیسپان تی‌وی و قطع آنها از ماهواره گفت: من به جمع تفنگداران غربی پیوستم چون فکر می‌کردم کشوروم خوب است، اما تحت تلقین قرار گرفته بودم و جهلم ناشی از بازی‌های رسانه‌ای بود.

این فعال حوزه صلح خاطرنشان کرد: پرس تی وی، هیسپان تی وی و راشا تودی توانسته‌اند حصارهای القای رسانه‌ای را بشکنند. رسانه‌ها تهدیدی جدی برای دستگاه ظلم و امپریالیسم جهانی هستند و

پخش پرس تی‌وی به همین دلیل ممنوع شد. کار شبکه‌هایی مثل پرس تی‌وی بسیار مهم است چون حرکت جریان‌های اصلی رسانه‌ای را برای رسیدن به منافع مادی نشان می‌دهد. رسانه‌های غربی باید بدانند کارشان نتیجه نمی‌دهد و هر روز مردم (بیشتر از قبل) با واقعیت آشنا می‌شوند!اکیف درباره دستاورد بزرگ خود در سفر به ایران گفت: ما در غرب رهبری خاصی در عرصه سیاسی نداریم و در هیچ کشوری به جز ایسلند این رهبری وجود ندارد. البته در برخی کشورهای غربی بهرمان محبوب وجود دارند، اما در اکثر کشورها افراد مطرح هنرپیشگان و بازیگران سیاسی هستند. آنها برای رسیدن به قدرت ، هرچه از آنها خواسته شود، انجام می‌دهند و فرقی نمی‌کند آزادی خواه و یا محافظه کار باشند.

وی ادامه داد: آنها وقتی به قدرت می‌رسند در جهت منافع افرادی که به آنها قدرت بخشیده‌اند، حرکت می‌کنند. در ایران ما رهبری مثل آیت الله خمینی داشتیم که صادق و راستگوست بودند اما در کشورهای غربی چنین رهبری وجود ندارد. در کشورهای غربی داشتن رهبر عجیب به نظر می‌رسد. اکیف یادآورشد: در غرب هرچه بیشتر منابع مالی داشته باشید، قدرت دارید و می‌توانید سیاستمداران را از این طریق کنترل کنید. نظام حاکم بر غرب براساس غضب و چپاول فرصت‌ها از دیگران است.

### سیاه‌پوستان آمریکا مثل مسلمانان میانمار

دکتر رندی شررت روحانی مسیحی و فعال حقوق بشرنیز از افراد شرکت کننده در بحث "راز" بود و درباره خبر نقض حقوق سیاه پوستان و حکم تیره زبمرن به عنوان یک سفید پوست گفت: این حکم نشان داد که آمریکا به شدت نژادپرست و محروم‌کراتیک است و حقوق رنگین پوستان در آمریکا نقض می‌شود و آنها قربانی عدالت آنجا می‌شوند و سیاه پوستان باید این شرایط را تحمل کنند. این فعال حقوق بشر افزود: با اینکه یک سیاه‌پوست در آمریکاست اما همچنان نظام امپریالیستی وحشی وجود دارد. این کشور به لبی حمله کرده و در سورهی به همین کار را انجام می‌دهد. این حکم تازه نیست بلکه در گذشته هم حقوق سیاه پوستان نقض شده است.

رندی شررت در پایان گفت: فکر می‌کنم بز لایه‌های ظاهری آمریکا واقعیت‌های دیگری وجود دارد و به سیاه پوستان نگاه انسانی کمتری دارند. وضعیت سیاه پوستان آمریکایی با تفاوت‌هایی مثل مسلمانان روهینگا در میانمار است.

## دو نگاه به فیلم «گهواره ای برای مادر» به کارگردانی پناه بر خدا رضایی



**\*قهرمان پردازی، یکی از ترنفندهای فیلمسازان برای ایجاد جذابیت به حساب می آید. قهرمانان فیلم ها معمولاً دارای ویژگی های خاص ظاهری مثل قدرت جسمی و هوشی و زیبایی اند؛ آن ها قهرمان هایی پوشالی و جعلی هستند. اما نرگس در «گهواره ای برای مادر» یک قهرمان حقیقی و واقعی است.**

\*\*\*

یاد نشده باشد. این رویکرد ارزشی این بار با فیلم «گهواره ای برای مادر» از متون مقدس و اخلاقی به سینما راه یافته است.البته پیش از این هم به موضوع مادر در فیلم های ایرانی توجه شده بود؛ «مادر» به کارگردان مرحوم علی حاتمی و «میم مثل مادر» ساخته مرحوم رسول ملاقلی پور از نمونه های برجسته ای هستند که حقیقت متعالی مادر را ترسیم کرده بودند. تفاوت عمده «گهواره ای برای مادر» با آن ها در این است که در آن فیلم ها، مادر در مقام از خودگذشتگی قرار دارد، اما این بار این فرزند است که برای مادر خود از خویشتن می گذرد.

این فیلم در شرایطی ساخته شده و به نمایش درآمده که متأسفانه اغلب آثار سینمایی ما طی یکی دو سال اخیر، خانواده را هدف گرفته و به سبک فیلم های اروپایی و هالیوودی بر طبل خیانت و خانواده گریزی می کوبینند.

پرداختن به زندگی زنان طلبه، از موضوعات تازه و بدیع است که تاکنون در سینمای ما توجه چندانی به آن نشده است. این فیلم سعی کرده تا از مسیر نمایش زندگی یک بانوی طلبه، ضمن قهرمان سازی از زن ایرانی، الگویی اخلاقی و شخصیتی هم برای نسل جدید ارائه دهد.

انتخاب روسیبه به عنوان یکی از سوزوه های روایت فیلم هم گزینش هوشمندانه ای بوده است. چراکه روسیه یکی از قطب های اصلی گرایش به اسلام طی دو دهه گذشته بوده است و این فیلم می تواند به تقویت ارتباط و گفت و گو میان مسلمانان و شیعیان روسیه با مردم ایران کمک کند.

همچنین «گهواره ای برای مادر» از معدود فیلم های سینمای ایران است که از مشکل تهران زدگی عبور کرده و با انتخاب شهر زیبای یزد به عنوان محل رخ داد داستان فیلم، متفاوت جلوه کرده است. «گهواره ای برای مادر» یکی از آثار قابل احترام و خاص سینمای ایران در سال های اخیر است که حال و هوایی مناسب فضای معنوی و قدسی ماه مبارک رمضان دارد.

مادر موجود مقدس و نانزیبی است و ما حتی جا دارد چنانما را فدایش کنیم؟



**\*تصویر یک بانوی طلبه در سینمای ایران تصویر نویی به شمار می رود که در میان این همه اعوجاج مبتذل و سخیف که هزاران بار به کلیشه ای ترین نوع ممکن بازتولید شده و جریان فیلمفارسی های مد روز را راه انداخته اند، یک نگاه خاص، تازه، جذاب و دارای قابلیت محسوب می شود.**

\*\*\*

در اینکه شکی نیست اما به حرمت همین مادران عزیز، بیابید قدری جدی تر به سینمایی کردن این مفهوم و امثال و اقراش فکر کنیم.

تا کی بنیاست این سؤال را از سینماگران عزیزمان بپرسیم که چرا به همان اندازه که برای مفاهیم فیلم و ایده های فکریتان ارزش قابل بوده ای، برای سینما بشری کردن همین چیزهایی که مدعیش هستید فکر و تلاش نمی کنید؟! و صما قیلمی ساخته اید با ایده ای خوب و سوزوه ای بکر که البته در سطح مانده و شعاری و گل درشت ادامه یافته و در پایان بندی هم به نتیجه ای درخور و آنچنان که شایسته و بایسته است نرسیده.

بگذریم از ایرادهای جدی و اتفاقات عجیب و غریب باورنکردنی که در مفاد وقایع فیلمنامه تان به چشم می خورد.

مثل اینکه هیچ پرستاری حاضر نمی شود مادر را در امر ادای فریضه نماز یاری کند در حالی که برای انجام کارهای سخت تر آماده است!

کجای کشور ما این گونه است؟!

چرا این قدر آدرس غلط و حرف بی ربط در فیلم خوبتان می گنجانید که آدم به اصل قضیه هم شک کند؟!

و نیز ساختن نه چندان روان، بازی های لخت و بی رمق، گریم و صحنه اغراق شده و البته دیالوگ ها و مضامین گل درشت و قاب بندی های زیادی شاعرانه و کارت پستالی که البته بعضا کمترین کارکرد سینمایی هم ندارد.

محور فیلم دختر طلبه ای است که میان ماندن در ایران و مراقبت از مادر پیرش و رفتن به مسکو و ادامه سیر ارتقایی کمالات تحصیلیش مردد مانده و در این کش و قوس ایثار‌گرانه و احتمالاً خودخواهانه، به مادر پناه می برد و گهواره‌ای می شود برای او ولی فیلم گهواره ای برای مادر حتما برای تبدیل شدن به گهواره‌ای که بتواند مخاطب را آرام و شریک لذتی ناب و سینمایی کند حتما خیلی چیزها کم دارد که برخی را برشمردیم.